

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



عرفان نظر آهاری



کتاب‌های دانه

مؤسسه انتشارات صابرین ۸۸۷۴۶۹۵۵



نام دیگر تو

عرفان نظر آهاری

تصویرگر: سید میثم موسوی

طراح گرافیک: شاپور حاتمی

چاپ اول: ۱۳۸۵

تعداد: ۵۰۰۰

چاپ: اکسیر

صحافی: پژمان

شابک: ۹۶۴-۶۱۸۱-۹۳-۷

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

پیشکش به جوانمرد خاکی

جو امر د!ا!

چندان که توانی از مال و جاه و از
قلم و زبان از هیچ کس دریغ مدار
که وقت آید که خواهی خیری کنی
و نتوانی.

عین القضاة همدانی



روایت آغاز

زمین و زمان را می‌گردم در جستجوی جواهرم.
کاروانسراهای خشتی و جاده‌های سنگی و کوچه‌های
خاکی را می‌گردم در جستجوی جواهرم.
سرمحله‌ها و زیرگذر بازارچه‌ها و گود زورخانه‌ها و بستوی
خانه‌ها را می‌گردم در جستجوی جواهرم.
حجره‌ی پیشه‌وران و خانقاه صوفیان و خیمه‌ی سپاهیان را
می‌گردم در جستجوی جواهرم.



می‌گردم و می‌روم آنقدر تا به عیاران می‌رسم؛ نه به این
عیار که معنایش چابک و چالاک است؛ نه آن «ایار» می‌رسم
که نامش از یار می‌آید و مراسم از یاری. آن ایار که به نورو
به نار سوگند می‌خورد و به مهر و به مالا.
آن ایار بر خاسته از آیین مهر و میترا.
شگفتا که این جواهرم تا کجا دور رفته است.



پدر مردی بازرگان بود. گوگرد پارسی به چین می‌برد
و کاسه‌ی چینی به روم. دیبای رومی به هند می‌برد و پولاد
هندی به حلب. آبگینه‌ی حلبی به یمن می‌برد و بُردِ یمانی به
پارس.

در نیمه‌شبان دشت، عیاران به کاروانش زدند، سکه‌هایش
را بردند، گوگردش را به باد دادند، دیبای رومی‌اش را
دریدند و آبگینه‌هایش را شکستند. دست و دهانش را
بستند و برهنه رهایش کردند.

و من قرن‌هاست که گریه می‌کنم، نه به خاطر گوگرد
پارسی و دیبای رومی و آبگینه‌ی حلبی؛ و نه به خاطر پدرم؛
به خاطر عیاران و به خاطر جوانفردان.

که نامشان سارقان شد و دزدان و راهزنان. هر چند که
مرامشان ستاندن از توانگران بود و بخشیدن به فقرا.



کم نبودند عیاران و جوانفردان سپاهی و زور‌آورو
سرپنجه، که آدابشان شمشیر بود و رسم و رسومشان
جنگ‌آوری.

آن بزرگی حکومت صفاریان نیز از عیاران سیستان بود و
به یاری عیاران، حکومت صفاریان را شکل داد که نخستین
حکومت ایرانیان بود، پس از استیلای عرب‌ها بر ایران.
و او بود که گفت از سرِ عیاری و شیرمردی پادشاهی را به

